فصلنامه مطالعات تفسیری
سال سوم، بهار ۱۳۹۱، شماره ۹
صفحات ۳۴ ـ ۹

Motaleat-e Tafsiri
A Research Journal
Vol. 3, Spring 2012, No. 9

تفسیر «الغفور الرحیم» و تحلیل غرض هدایتی آنها

محمدحسن سراج صادقی*
علی‌اکبر بابایی**

چکیده

پایان بخش ۷۱ آیه قرآن کریم با دو اسم «غفور» و «رحیم» است. این مقاله پس از معناشناسی این دو واژه و بررسی آیات حاوی آن و با در نظر گرفتن ترتیب نزول سوره‌ها و توسیع معنایی در واژه ذنب به این نتیجه دست می‌یابد که ترتیب «الغفور الرحیم» دارای غرض هدایتی مشترک در این آیات است و آن «رفع نگرانی از آثار گناهان» می‌باشد.
اما در آیه دوم سوره سبأ، تنها آیه‌ای که این اسما به ترتیب «الرحیم الغفور» آمده است، دارای غرض هدایتی دیگری است که آن رحمت الهی در پوشاندن برخی چیزها با وارد کردن آنها در خاک یا خارج نمودن از جو می‌باشد. بررسی عملکرد تفاسیر در باره این بحث بیانگر آن است که هیچ تفسیری به بررسی غرض هدایتی مشترک و تفاوت این دو دسته آیات نپرداخته است.

واژگان کلیدی

اسماء متوالیه الهی، ترکیب اسمائی، الغفور الرحیم، الرحیم الغفور، گناه.

---

*. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.
serajsadeghy_2007@yahoo.com
**. استادیار گروه قرآن و حدیث پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ababayi@rihu.as.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]
[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

طرح مسئله

درج اسما متوالیه الهی در آخر برخی آیات با محتوای آیات و معنای لغوی این اسما تناسب دارد، در غیر این‌صورت، به‌معنای ترجیح بلا مرجح بوده، قطعاً از خداوند حکیم محال است. به‌عبارت ساده‌تر، درج عبارتی چون «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در انتهای برخی آیات کاملاً با محتوای آیه قبل از این عبارت و در مواردی بعد از آن، تناسب دارد. این سخن تا بدین حد، حرف تازه‌ای نیست، چراکه علامه طباطبایی در تفسیر ***المیزان*** به آن اشاره کرده است:

> روش قرآن کریم این است که در آخر هر آیه از اسما و صفات خدای تعالی، آن صفتی را ذکر کند که متناسب با مطلب همان آیه باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۳۶۸)

مطلب درخور توجه اینکه دراین‌صورت، تمام آیاتی که ترکیب واحدی از اسمای متوالیه الهی در آنها درج شده یا بدانها ختم می‌شوند، باید غرض هدایتی مشترکی داشته باشند. در این مقاله به‌عنوان نمونه آیاتی که به ترکیب اسمائی «غفور رحیم» ختم می‌شود، بررسی و با تنها آیه‌ای که به ترکیب معکوس آن ختم می‌شود، مقایسه شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله همان روش تفسیری قرآن به قرآن است؛ ازاین‌رو، پس از کنار هم قرار دادن تمامی آیاتی که با چهار ترکیب «الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، «غَفُورٌ رَحِيمٌ»، «غَفُوراً رَحِيماً» و «لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، ختم می‌شود، در بخش «مفهوم‌شناسی» با استفاده از منابع معتبر لغوی، معنای این اسما با توجه به معنا یا معانی اصلی و کاربردهای گوناگون آنها بررسی می‌شود.

آنگاه در بخش «بررسی آیات» با توجه به‌معنای لغوی اسمای «غفور و رحیم»، درپی پاسخ به این پرسش برآییم که اولاً وجود چه عاملی در محتوای هر آیه سبب شده است خداوند بدان مناسبت این اسما را در آیه مزبور درج نماید؟ و ثانیاً چه موضوع مشترکی در محتوای آیات مزبور وجود دارد که با معنای این اسما تناسب دارد؟

در این آیات از امور مختلفی نامبرده شده که براساس اسم غفور می‌تواند به‌عنوان متعلق

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

مغفرت خداوند مطرح باشد؛ از خوردن گوشت مرده در حالت اضطرار ـ که گناه شمرده نمی‌شود ـ گرفته تا گناهان عظیمی چون شرک و زنا در این آیات و طیف بسیار متنوع و گسترده کسانی که مورد مغفرت قرار گرفته‌اند؛ از پیامبر اکرمﷺ تا کسانی که سابقه در شرک داشته‌اند در این فهرست جای دارد. در اینجا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان وجه جامعی برای تمام این آیات در نظر گرفت؟

البته در این راه، در موارد بسیاری توجه به آیات قبل و بعد از آیه مزبور و مراجعه به تفاسیر مختلف و شأن نزول آیات ضروری است.

با به سخن در آوردن قرآن، در واقع محل ظهور این اسما و غرض هدایتی از بیان آنها روشن می‌شود. و بالاخره در بخش «بررسی تفاسیر» به بررسی عملکرد تفاسیر مختلف شیعه و سنی در تفسیر اسمای مزبور پرداخته می‌شود.

با کشف این تناسب و یا امر مشترک، پرسش‌های بسیاری پدید آمد که در جست‌وجو از ده‌ها تفسیر، مشخص شد که چنین پرسش‌هایی در محدودی از تفاسیر مطرح است که به سبب فقدان روش صحیح، نتیجه علمی درخوری حاصل نشد و به‌طور معمول شاهد اختلافات گسترده تفسیری و بیان احتمالات بسیار متنوعی در تفسیر آیه بودیم که با داشتن روش تفسیری قرآن به قرآن که تا حد بسیاری آن را وامدار علامه طباطبایی هستیم، می‌توانست حل گردد.

مفهوم‌شناسی

الف) الغفور

در کتاب *العین* می‌خوانیم که پوشش سر را «مغفر» (کسر میم، سکون غین، فتح فاء) یا «الغفارة» (به کسر غین) گویند. و همین لفظ اخیر برای پوششی است که روی روغن کشیده می‌شده است. نیز به کرم نوعی درخت «المغفور» گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۴۰۶) در *لسان العرب* نیز آمده است که الغَفُورُ و الغَفّارُ از نام‌های خداوند به‌معنای پوشاننده گناهان بندگان و گذشت‌کننده از اشتباهات آنان است. و مصدر آن «الغُفْرانُ» است و برای هر چیزی

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

که پوشانده شود، از این واژه و هم‌خانواده‌های آن می‌توان استفاده کرد. ازاین‌رو، در این کتاب به موارد متعددی چون الغَفْرُ، اغْفارً، اغْفِیرار، غُفارُه، الغُفارُ، الغَفیر، و ... از این دست اشاره می‌شود که گاه هریک کاربردهای متعددی دارند، اما همگی در معنای پوشش اشتراک دارند. سپس *لسان العرب* از امام علی﵇ این حدیث را نقل نموده است: إِذا رأَي أَحدُكم لأَخِيه غَفِيرةً فِي أَهلٍ أَو مالٍ فلا يكونَنَّ له فِتْنة؛ اگر کسی از شما دید که برادرش خانواده یا مال فراوانی دارد، نباید برای او فتنه‌ای ایجاد کند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۲۵) در این حدیث غَفِیرةً به معنی زیاد و فراوان است.

المفردات فی غریب القرآن مصدر «الغَفْرُ» را به‌معنای پوشاندن هرچیزی از ناپاکی دانسته است و واژه‌های «الغُفْرَانُ» و «الْمَغْفِرَةُ» از جانب خداوند به مصون داشتن بنده از تماس با دوزخ معنا شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۹)

در *مجمع البحرین* نیز معنای اصلی الغفران، التغطیة (پوشاندن) آمده است و مغفرت گناهان از سوی خداوند را به‌معنای پوشاندن آنها دانسته است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۲۶)

التهذیب هم افزون بر پوشاندن، اصلاح نمودن را نیز از معانی این واژه دانسته است. (الازهری، ۲۰۰۱: ۸ / ۱۰۶)

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز پس از نقل برخی اقوال مشابه، نویسنده در داوری بین آنها معتقد است که یگانه معنای اصلی ماده «غفر» از بین بردن اثر و بی‌اثر ساختن است، اما برخی معانی دیگر چون الستر (پوشاندن) و الصفح (در گذشتن) و الإصلاح و غیر اینها معانی دیگری‌اند که این واژه می‌تواند بر آنها دلالت درجه دوم داشته باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷ / ۲۴۰)

البته ناگفته نماند که بسیاری از اهل لغت ـ چنانچه نقل شد ـ اصل در این واژه را ستر (پوشاندن) دانسته‌اند. بااین‌حال از بیان *التحقیق* این استدلال قابل پذیرش است که پوشیده شدن چیزی ضرورتاً موجب بی‌اثر شدن آن تا ابد نشده، بر تثبیت آن زیر یک پوشش دلالت دارد. ازاین‌رو، پوشیده شدن صرف گناهان بنده‌ای در اثر استغفاری حقیقی و آشکار شدن آن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

در روز قیامت که یوم تبلی السرائر است، و عذاب و بی‌آبرویی او، برخلاف رحمت و حکمت خداوند است؛ چراکه آیات فراوانی چون «فَاغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا» (اعراف / ۱۵۵) نشان می‌دهد که اگر معنای غفران گناهان صرفاً پوشاندن آنها باشد، برخلاف شمول رحمت و لطف خداوند بر بنده است. (همان)

ب) الرحیم

ابن‌منظور معتقد است که ماده «رحم» مترادف رقت و تعطّف (مهربانی) است و درباره تفاوت دو اسم «الرحمن» و «الرحیم» می‌گوید اولی بر وزن فَعْلانَ بوده، این وزن به‌معنای کثرت است. چراکه رحمت خداوند همه چیز را فراگرفته است و او أَرْحَمُ الراحمین است. اما بیان الرَّحِیمُ بعد از الرَّحْمن به این سبب است که فقط خداوند رحمن است. درحالی‌که به غیر خدا هم گاه رحیم گفته می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۲ / ۲۳۰)

راغب اصفهانی نیز رحمت ازسوی خداوند را به نعمت‌بخشی او معنا نموده و افزوده است: «رحمت رقتی است که اقتضای آن احسان به رحم شونده است و گفته شده که رحمت ازسوی خداوند إنعام و إفضال است و از سوی انسان مهربانی. و گفته شده که خداوند رحمان در دنیا و رحیم در آخرت است. چراکه احسان او در دنیا شامل مؤمنین و کافرین می‌شود و در آخرت مختص مؤمنین است». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۷)

در *مجمع البحرین* نیز، مطلبی مشابه آنچه از *المفردات* نقل شد، آمده است که نیازی به تکرار ندارد. (بنگرید به: طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۶۹)

مصطفوی هم مطالب بسیار مفیدی بیان نموده که بیانگر دقت علمی وی است. او ازجمله تحت عنوان «و الفرق بین صیغة الرحمن و الرحیم» منشأ این تفاوت را اختلاف وزن آن دو می‌داند. چراکه فعیل بر پایداری و ثبوت دلالت دارد مانند اسم‌های الحمید، العزیز، الکریم، المجید و البصیر.

فعلان، هم در ماده و هم در معنا بر پر بودن، حرارت و وفور دلالت دارد. مانند الشبعان، ریان، عطشان، صدیان، جوعان، غضبان، غیران و لهفان. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴ / ۹۲)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت اسم رحیم دلالت بر رحمتی پایدار و ثابت می‌کند، و چون مؤمنین برخلاف کافرین، مشمول رحمت‌هایی ویژه‌ای چون نعمت ولایت‌اند که با تمام شدن دنیا نیز از بین نمی‌روند و در قیامت نیز بهشت جاودان نصیب ایشان می‌شود، این رحمت ویژه آنان است.

بررسی آیات

درباره آیات مزبور می‌توان این پرسش را پرسید که در هر آیه چه کسانی مشمول مغفرت شده و چه چیزی مورد مغفرت قرار گرفته است؟ در پاسخ، با دقت در متن آیات (که البته گاه فهم برخی موارد نیاز به مراجعه به تفاسیر متعدد دارد) می‌توان به جدولی دست یافت که در یک ستون کسانی که مورد مغفرت قرار گرفته‌اند، تحت عنوان «افراد مورد مغفرت» و در ستون دیگر آنچه مورد مغفرت قرار گرفته است، تحت عنوان «امور مورد مغفرت»، در حد امکان به‌صورت اجمالی جای دارد.

همچنین جهت بررسی نقش ترتیب نزول و مکی یا مدنی بودن آیات، آیات مزبور به‌ترتیب نزول سوره‌ها به روایت ابن‌عباس مرتب شده‌اند (معرفت، ۱۳۷۸: ۹۰ ـ ۸۸) که این جدول به رسم مجله، به‌عنوان ضمیمه به مقاله پیوست شده است.

در بررسی آیات قرآن هفت آیه با «الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، ۴۲ آیه با «غَفُورٌ رَحِيمٌ»، پانزده آیه با «غَفُوراً رَحِيماً»، و هفت آیه نیز با عبارت «لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» ختم شده است. البته این‌گونه تفاوت ـ با توجه به تمامی موارد دیگر در قرآن کریم ـ به ویژگی‌های هر آیه باز می‌گردد و خللی در نتیجه حاصل از بررسی غرض مشترک آیات وارد نمی‌کند.

دسته‌بندی امور مورد مغفرت

با توجه به آنچه در این جدول آمده است، امور مورد مغفرت در آیات مربوطه را در سه گروه زیر می‌توان قرار داد:

۱. کفر، اعتقاد به تثلیث، شرک، جنگ با مسلمانان، ارتداد، نفاق: ۱۶ آیه؛

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

۲. حرام، یا مجاز شرعی: (دگرگون ساختن وصیت میت، ایلاء، زنا، قتل، اکـل میتـه و ...، سرقت، صید در حالت احرام، فرار از جهاد، شرکت نکردن در جهاد، اتهام به زنـا بـدون آوردن چهار شاهد، سوگند خوردن به اینکه به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، زنا کردن کنیزان به اجبار مالکان آنها جهت کسب در آمـد بـرای مالکـان، صـدا زدن پیامبرﷺ از آن سوی حجره‌ها، صدقه ندادن قبل از نجوا با پیـامبرﷺ، کشـتن فرزنـدان، و اینکه زن‌ها فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به دروغ به او نسبت ندهند، زن خود را مادر خود خواندن، فرزند خوانده را فرزند خود خواندن، احکـام خـاص ازدواج بـرای پیـامبرﷺ بـا کسانی که ازدواج با آنها برای دیگران گناه و زنا شمرده می‌شود، بی‌حجابی، بازگشتن حجـاج از مسیر مشرکان، جنگ علیه کافران در ماه‌های حرام، حکم بـه محکومیـت متهمـی کـه در ظاهر تمام شواهد علیه اوست، صید ماهی در روز شنبه برای یهودیان): ۲۶ آیه؛

۳. ظلم، گناهان، کار بد، تصریح نشده (همه گناهان را شامل می‌شود ۱۰ آیه): ۲۹ آیه.

دسته‌بندی افراد مورد مغفرت

افراد مورد مغفرت در این آیات نیز در پنج دسته قرار می‌گیرند:

۱. عموم انسان‌ها، عموم مسلمین، عموم مؤمنین: ۳۱ آیه؛

۲. دسته خاصی از مردم یا مؤمنین: ۱۸ آیه؛

۳. کافران، مشرکان، منافقان، یهودیان، و مسیحیان یا گروه‌هایی خاص از ایشان: ۱۳ آیه؛

۴. دسته‌ای از گنهکاران: ۳ آیه؛

۵. پیامبران یا نزدیکان خاص ایشان: ۶ آیه.

بررسی و تدبر در آیات

در تمامی ۷۱ آیه، ذنب و ستر آن ازسوی خداوند مطرح است. البته در مواردی چون بیان حکم اکل میته که فرد در حالت اضطرار با اکل میته با شرایط خاص آن شرعاً گناهی انجـام نـداده است، به‌جهت مصالح تکوینی احکام شرعی، ممکن است آثار تکوینی اکـل میتـه در شـرایط

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

مشروع بر روح فرد و سیر تکاملی او موجب نگرانی شود که خداوند بـا مغفـرت و پوشـاندن و بی‌اثر ساختن این ذنب، به نظر رحمت خود به بنده می‌نگرد که خداوند غفـور رحـیم اسـت. و اساساً ذنب در لغت نیز، به‌معنای کاری است که دنباله و پی‌آمد نـاگوار و بـدی داشـته باشـد، هرچند خود آن کار بد نباشد.

از این نکته چنین بر می‌آید که در این آیات، معنای عام ذنب و ذنوب مدنظر اسـت. پـس در مواردی هم که فرد مغفور پیامبر اکرمﷺ، حضرت موسی‌علیه‌السلام یا حضرت یوسف‌علیه‌السلام باشد، منظور از غفران ذنوب می‌تواند پوشاندن و بی‌اثر ساختن پیامدهای بد احتمالی کارهایی باشـد که اساسا کار بدی نبوده است.

اکثر گناهان مورد بحث در این آیات، گناهان بسیار سـنگینی چـون داشـتن سـابقه کفـر، شرک، قتل، زنا، سرقت، جنگ با اسلام و رسول خداﷺ است.

نتایج بررسی آیات

در نتیجه تدبر در آنچه گذشت و در آیات مزبور روشن می‌گردد:

الف) اینکه خداوند در شرایط خاصی چون توبه، اصلاح و جبران از چنین گناهان سنگینی چشم‌پوشی می‌کند، نشانگر شدت رحمت خداوند است.

ب) تکرار ترکیب اسمائی غفور رحیم کـه پـس از ۱۱۴ بـار تکـرار ترکیـب «الله الـرحمن الرحیم» در مقام دوم قرار دارد، نشان می‌دهد که در عالم اسماء متوالیه الهی در قرآن کـریم، پس از مسئله ظهور رحمت رحمانیه و رحیمیه، اولین نکته هدایتی تشویق به بازگشت مردمان از گناه و توبه به درگاه خداوند، با توجه به غفران و رحمت الهی است.

ج) همان‌گونه که بیان شد، محور بحث، ستر و بی‌اثر ساختن ذنب به‌معنای اعم آن است، پس این نکته پاسخ‌گوی این پرسش است که چرا در کنار گناهان بسیار سنگینی چون کفر و زنا، مواردی وجود دارد که اصلا به‌معنای خاص خود گناه تلقی نمی‌شوند؟ ماننـد «حکـم بـه محکومیت متهم بی‌گناهی که در ظاهر تمام شواهد علیه اوست» درمورد پیامبر اکرمﷺ که به‌عنوان قاضی موظف است به ظواهر حکم کند. گرچه چنین حکمی موافق شرع است، ایـن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

نگرانی به‌وجود می‌آید که «آیا ستاندن حق از صاحب آن نمی‌تواند بر سیر تکامل فرد قاضی آثار تکوینی داشته باشد؟» که آیات مربوط به موضوع این نگرانی را رفع می‌نماید. در مواردی نیز، گاه سخن از مغفرت گناهان گذشته برخی مؤمنین و گاه ستر اثر اعمالی است که لااقل گناه بزرگی شمرده نمی‌شود.

پس با بیان فوق دلیل قرار گرفتن بیشتر گناهان بزرگ در برابر اموری که گناه شمرده نمی‌شود در فهرست متعلق غفور رحیم و قرار گرفتن بسیاری از افرادی که سابقه گناهان بزرگ دارند در کنار اقلیت مؤمن یا حتی پیامبران علیهم‌السلام روشن می‌گردد؛ زیرا آثار وضعی گناهان بر صاحبان آن قطعی است، اما اعمالی که ذاتاً گناه و کار بدی شمرده نمی‌شوند، به‌ندرت آثار بدی دارند.

د) شاید از نکته اخیر، بتوان تفسیر جدیدی از عبارت قرآنی «ان ربک واسع المغفره» ارائه داد که مغفرت خداوند دارای طیف وسیعی است که از بزرگ‌ترین گناهان تا اموری که اصلاً گناه شمرده نمی‌شوند را دربرمی‌گیرد.

ه) آیات مربوط به مغفرت گناهان به‌معنای خاص اعم از جرائم سنگینی چون کفر و شرک را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته نخست آیاتی‌اند که درباره کسانی که گرفتار چنین جرائمی بوده، هنوز مرتکب آن می‌شوند. مسلما مغفرت و پوشش رحمت بر صاحبان آنها، مشروط به ترک، عدم تکرار گناهان مزبور و اصلاح مفاسد و مظالمی است که بر خویش یا دیگران روا داشته‌اند.

دسته دوم آیاتی است که شامل حال کسانی می‌شود که از گناه خاصی توبه کرده، راه اصلاح آن را در پیش گرفته‌اند. این غفران به‌معنای بخشیده شدن تمام گناهان ایشان نیست و باید در جهت آن تلاش کنند. مانند بی‌خردانی که از آن سوی حجره‌ها پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را ندا می‌دهند.

افزون بر اینکه غفور و رحیم بودن خداوند ضمن تشویق گنهکاران به چنین بازگشتی، موجب رفع نگرانی ایشان از دچار شدن به عاقبت ناگوار به‌جهت سابقه چنین گناهانی می‌گردد؛ چراکه در غیر این صورت، نگرانی مزبور مانع توبه گنهکاران خواهد شد. همچنین این هشدار به ایشان داده می‌شود که اگر در کفر و شرک و گناهان باقی بمانند، دچار عذاب شدیدی می‌شوند:

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

«نَبئْ عِبادي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحيمُ * وَ أَنَّ عَذابِي هُوَ الْعَذابُ الأَليمُ». (حجر / ۵۰ ـ ۴۹)

دسته سوم آیاتی‌اند که شامل آن‌دسته از مؤمنینی می‌شود که از عموم گناهان سابق خویش توبه کرده‌اند، غفور رحیم بودن خداوند درباره این افراد نیز موجب رفع نگرانی از سوء سابقه خویش و تشویق جهت ثبات قدم داشتن در راه حق است.

وجه جامع و هدف هدایتی در آیات غفور رحیم

وجه جامع و هدف هدایتی مشترک تمام این آیات، «رفع نگرانی از آثار ذنب» است که این معنا گاه در کنار اهداف هدایتی زیر آمده است:

۱. هشدار به عواقب باقی ماندن در گناه؛

۲. تشویق به توبه و ترک گناه؛

۳. تحسین ترک‌کنندگان گناه؛

۴. تشویق به ثبات در راه حق.

«رفع نگرانی از آثار ذنب» که به‌عنوان وجه جامع و هدف هدایتی مشترک در تمام آیات غفور رحیم وجود دارد، معنایی متناسب با معنای لغوی «غفور رحیم» است. خداوند نه‌تنها آثار ذنب را می‌پوشاند، بلکه آنها را محو ساخته، فرد را از رحمت خود بهره‌مند می‌سازد. (غفران ذنب و رحمت بر مغفور له) مغفرت و بی‌اثر ساختن آثار ذنب که متناسب با اسم الغفور است، مقدمه‌ای برای قرار گرفتن افراد در شمول رحمت واسعه خداوند است که با اسم الرحیم تناسب دارد.

به‌طور خلاصه «رفع نگرانی از آثار ذنب» را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که هریک به‌اختصار همراه با درج نمونه‌ای از آیات مربوط به آن بررسی می‌شود:

یک. رفع نگرانی از آثار گناهان

شرک به خداوند قطعاً یکی از بزرگ‌ترین گناهان است. در سوره توبه که در سال نهم هجری نازل شده است خداوند ضمن برائت از مشرکان، چهار ماه به ایشان مهلت داد تا به اسلام و ایمان روی آورند:

فَإِذَا انسَلَخَ الأَشهُرُ الحُرُمُ فَاقْتُلُواْ الْمُشْرِكِينَ حَيثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَ خُذُوهُمْ

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُواْ لَهُمْ كلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُواْ وَ أَقَامُواْ الصَّلَوةَ وَ ءَاتَوُاْ الزَّكوةَ فَخَلُّواْ سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. (توبه / ۵)

خداوند در آیه پنجم این سوره دستور قتل مشرکان و مبارزه شدید با آنان را صادر نموده اما در ادامه می‌افزاید که اگر آنان توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات دادند، آنها را رها کنید؛ زیرا خداوند غَفُورٌ رَّحِيمٌ است. پس متعلق مغفرت در این آیه شرک سابق مشرکان است. ممکن است این سؤال مطرح شود که خداوند در سوره نساء فرموده است که تمام گناهان را به جز شرک می‌بخشد: «إِنَّ اللَّهَ لا يغْفِرُ أَنْ يشْرَک بهِ وَ يغْفِرُ ما دُونَ ذلِک لِمَنْ يشاءُ وَ مَنْ يشْرِک باللَّهِ فَقَدِ افْتَرى إِثْماً عَظيماً.» (نساء / ۴۸) و این برخلاف آیه ۵ سوره توبه است.

در پاسخ باید گفت، اتفاقاً این آیات مفسر و مکمل یکدیگرند. یعنی خداوند مشرک را مورد مغفرت قرار نمی‌دهد، مگر آنکه توبه نموده، اصلاح شود؛ به‌عبارتی‌دیگر کسی که مشرک از دنیا رود، شرکش بخشوده نمی‌شود. اگر خداوند مشرکان را در هر شرایطی از مغفرت شرک سابقشان نومید می‌کرد، شاید اسلام نمی‌آوردند. در همان ابتدای بعثت نیز بسیاری از مؤمنین نخستین، که سابقاً در شرک و بت‌پرستی بودند، هدایت‌یافته و مورد استقبال اسلام قرار گرفتند و حتی برخی در راه اسلام شهید شدند.

پس فرد مشرکی که مورد دعوت اسلام است، شاید نگران عدم مغفرت و عدم دست‌یابی به رحمت دایم خداوند (رحمت رحیمیه) و قطعی بودن عذاب اخروی بر خویش باشد و ازاین‌رو، از ایمان آوردن منصرف شود. پس خداوند با بیان غفور و رحیم بودن خود، به او اطمینان می‌دهد که درصورت توبه و اظهار آثار ایمان، به مناسبت اسم الغفور، سابقه شرک او را بی‌اثر می‌سازد[۱] و این مقدمه‌ای می‌شود برای آنکه خداوند به مناسبت اسم الرحیم در دنیا و آخرت او را مورد رحمت دائم و ثابت خویش قرار داده، از اهل بهشت گرداند.

دو. رفع نگرانی از آثار عمل به موارد استثنا از حکم حرام شرعی

رفع نگرانی از عمل به موارد استثنا از حرام شرعی ازجمله:

۱. چنانچه نقل شد مغفرت در لغت به‌معنای محو اثر است.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

ـ اکل میته در شرایط اضطرار در آیه ۱۷۳ سوره بقره؛

ـ تغییر دادن وصیت میت درصورتی‌که غیر عادلانه یا وصیت به انجام گناه باشد در آیات:

فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (بقره / ۱۸۱)

فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَيهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. (بقره / ۱۸۲)

خداوند در آیات فوق پس از گناه شمردن تغییر دادن وصیت میت مواردی را از آن استثنا کرده که عبارت‌اند از:

۱. اگر وصیت به مقداری بیش‌از ثلث مجموع مال باشد؛ چراکه در روایات متعددی از پیامبرﷺ و ائمه اهل‌بیت‌علیهم‌السلام نقل شده که وصیت تا ثلث مال مجاز است و زائد بر آن ممنوع می‌باشد.

۲. هنگامی که وصیت به ظلم، گناه و ارتکاب کار خلاف باشد؛ مثل وصیت به توسعه مراکز فساد یا وصیتی که موجب ترک واجبی شود.

۳. وصیتی که اجرایش موجب نزاع، فساد و خونریزی گردد؛ چنین وصیتی باید زیر نظر حاکم شرع اصلاح شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۶۱۷)

در چنین شرایطی وصی پس از اصلاح وصیت میت ممکن است دچار نگرانی محرومیت از رحمت دائمی الهی به واسطه خیانت در امانت شود؛ ازاین‌رو، قرآن با بیان عبارت «فَلا إِثْمَ عَلَيهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» این نگرانی را رفع می‌کند. یعنی این کار گناه نیست پس خداوند به مناسبت اسم غفور خود آثار بد احتمالی تخلف از وصیت را از بین می‌برد، تا از این جهت مانعی برای برخورداری از رحمت رحیمیه الهی وجود نداشته باشد.

سه. رفع نگرانی از عواقب ناگوار برخی از اعمال

رفع نگرانی از آثار اعمالی که ذاتاً بد و گناه نبوده، استثنا از حرام نیز نیستند. اما می‌توانند

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

عواقب و پیامدهای ناگواری برای صاحب آن به‌دنبال داشته باشند. مانند حکم قاضی (معصوم یا غیر معصوم) به محکومیت متهم بی‌گناهی که تمام شواهد و قرائن ظاهری علیه اوست. چنانکه در سوره نساء می‌خوانیم:

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَیک الْکتَابَ بالْحَقّ لِتَحْکمَ بَینْ النَّاسِ بِمَا أَرَاکَ اللَّهُ وَ لَا تَکن لِلْخَائِنِینَ خَصِیمًا. (نساء / ۱۰۵)

وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ کأَنَ غَفُورًا رَّحِیمًا. (نساء / ۱۰۶)

در شأن نزول این آیه آمده است:

زرهی از یکی از انصار در یکی از جنگ‌ها به سرقت رفت، آنها به یک نفر مظنون شدند، سارق هنگامی که متوجه خطر شد، زره را به خانه یک نفر یهودی انداخت و از قبیله خود خواست که نزد پیامبرﷺ گواهی به پاکی او بدهند و وجود زره را در خانه یهودی دلیل بر برائت او بگیرند. پیامبرﷺ که چنین دید، طبق ظاهر او را تبرئه فرمود. مرد یهودی محکوم شد، آیات فوق نازل گشت و حقیقت را روشن ساخت. (همان: ۴ / ۱۱۱)

قاضی در اسلام موظف است طبق شواهد ظاهری حکم صادر کند، ازاین‌رو، ممکن است نگران اثرات سوء اخروی احکامی باشد که خلاف حقیقت بوده، حقی را از صاحب حق ستانده یا ناخواسته به کسی ظلمی روا داشته باشد. خداوند نیز، با آوردن دو اسم غفور رحیم این نگرانی را بر طرف می‌کند.

بررسی ترتیب نزول آیات غفور رحیم، تفاوت خاصی در افراد و امور مورد مغفرت و بالطبع، در نتایج فوق پدید نمی‌آورد. غیر از آنکه به‌جهت دو برابر بودن تعداد آیات مدنی‌ای که این دو نام در آنها درج شده‌اند شاید بتوان گفت، نیاز مردم به تذکر به این دو اسم بعد از هجرت دو برابر شده است.

تأیید دیگری بر آنچه بیان شد، این است که در آیه دوم سوره سبأ که تنها موردی است که ترکیب اسمائی «رحیم غفور» به‌کار گرفته شده است، برخلاف تمام ۶۴ آیه غفور رحیم، سخن از گناه یا «رفع نگرانی از آثار ذنب» نیست:

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

يَعْلَمُ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فيها وَ هُوَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ. (سبأ / ۲)

هر چه را که در زمین فرو شود و هرچه را که از زمین بیرون آید و هرچه را که از آسمان فرود آید و هرچه را که بر آسمان بالا رود، می‌داند. و او مهربان و آمرزنده است.

دقت در معنای این آیه می‌رساند آنچه بنا بر معنای مغفرت، مورد ستر و پوشش قرار می‌گیرد، گناه یا هر کاری که پیامد بدی برای انسان‌ها داشته باشد نیست. بلکه اموری که در زمین فرود می‌رود، مانند آب‌هایی که در زمین فرو می‌روند، و اموری که به آسمان عروج می‌یابند از دیدگان مردم پوشیده می‌شوند.

ظاهر این آیه به اسراری از خلقت طبیعی جهان اشاره دارد. اگر زمین چندان سخت می‌بود که نه چیزی در آن فرو می‌رفت، و نه چیزی از آن خارج می‌شد، و آسمان چنان سخت و نفوذناپذیر می‌بود که خورشید از آن گذر نمی‌کرد، نه چیزی از آن خارج و نه چیزی در آن داخل می‌شد، حیات در معرض تهدید و اساساً زندگی بر روی زمین ناممکن می‌شد.

پس این از نشانه‌های رحمت خداوند رحیم است که جهان را این‌گونه آفریده است و تنها اوست که از انواع، مقدار و چگونگی اموری که به زمین وارد یا از آن خارج می‌شود آگاهی داشته، بسیاری از این امور بر انسان پوشیده است؛ و اتفاقاً حیات انسان و سایر موجودات زنده بستگی به همین اموری دارد که خداوند آن را پوشانده است. پس رحمت خداوند موجب پوشش آنها شده است: «وَ هُوَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ» و به همین سبب «الرحیم» بر «الغفور» مقدم شده است.

نکته دیگر این که معنای رحمت در این آیه رحمت رحمانیه است که شامل مؤمن و غیرمؤمن می‌گردد، درحالی‌که رحمتی که در آیات غفور رحیم از آن یاد شد رحمت رحیمیه بوده، ویژه مؤمنین است. (یادآوری: گرچه در آیات غفور رحیم از گناهان بزرگی چون کفر و غیره نام برده شد، این ستر و رحمت الهی درصورت توبه و ایمان، و اصلاح، شامل حال گنهکاران سابق می‌شود.)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

سؤالی که ممکن است در این زمینه پیش آید این است که چرا در این آیه به‌جای الرحیم الغفور، الرحمن الغفور نیامده است؟ در پاسخ شاید بتوان گفت، از آنجا که هدف از خلقت انسان‌ها ایمان و معرفت ایشان به خداوند است «وَمَا خَلَقْتُ الْجنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيعْبُدُونِ»، اگر قرار بود هیچ انسان مؤمنی در جهان به‌وجود نیاید، خداوند این رحمت‌های عمومی و تکوینی را صرفاً برای زندگی کافران و گنه‌پیشگان نمی‌آفرید؛ به‌عبارت‌دیگر، آفرینش رحمت‌ها و نعمت‌های تکوینی خداند به‌جهت وجود پیامبران و معصومین علیهم‌السلام و مؤمنان است. به همین سبب، به‌جای اسم الرحمن از اسم الرحیم استفاده شده است. (والله اعلم)

شبهه احتمالی دیگر این است که درخصوص آیه دوم سوره سبأ، شاید منظور خداوند از عبارت «وَ ما يعْرُجُ فيها» اشاره به برخی اعمال ناپسند انسان‌ها باشد که خبر آن به آسمان‌ها راه می‌یابد، و از این جهت اسم غفور در ذیل آیه آمده است.

در پاسخ باید گفت: اولاً توجه به تفاوت «تفسیر باطنی» و «تفسیر متعارف» حائز اهمیت است؛ زیرا در تفسیر متعارف اموری چون محتوای آیات، مناسبت‌های لغوی، شأن نزول و قرائن و شواهد موجود در آیه و دیگر آیات بررسی می‌شوند. اما در تفسیر باطنی که از شئون معصومین علیهم‌السلام است، گاه هیچ قرینه ظاهری از آیات وجود ندارد. به‌طور مثال در تفسیر آیه هفتم سوره الرحمن «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ» از امام رضا علیه‌السلام نقل شده که منظور از آسمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و منظور از میزان علی بن ابیطالب علیه‌السلام است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۵ / ۱۸۸)

درحالی‌که در آیات هیچ قرینه ظاهری‌ای برای این نظر دیده نمی‌شود. اما معصومین علیهم‌السلام به‌جهت اتصال به علم نامحدود الهی، منظور خدا از آیات را بهتر می‌دانند. اما غیر معصومین علیهم‌السلام به‌دلیل عدم دسترسی چنین علمی، باید به اصول متعارف تفسیر مانند توجه به شواهد و قرائن بسنده کنند.

برای احتمال موجود در این شبهه نیز، هیچ شاهد یا قرینه‌ای در متن آیه و آیات مربوط به آن یافت نمی‌شود. برخلاف آیات غفور رحیم که از عمل یا اعمالی در آنها یاد شد که نیازمند مغفرت‌اند.

ثانیاً؛ قرینه موجود در آیه خلاف این احتمال است؛ چراکه اگر منظور از مای موصوله در

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

عبارت «وَ ما یعْرُجُ فیها» اعمال انسان‌ها باشد، معنای مزبور اعم از اعمال پسندیده و ناپسند بوده، اختصاص آنها به اعمال ناپسند بی‌دلیل است.

ثالثاً؛ در آیات غفور رحیم، برای غفران عمل ناپسند، شرایطی چون توبه، اصلاح و استغفار در نظر گرفته شده است، درحالی‌که در این آیه هیچ شرطی برای مغفرت اعمال ناپسند بیان نشده است.

بررسی تفاسیر

تفسیر ***المیزان*** که بزرگ‌ترین مروج روش تفسیری قرآن به قرآن است، در ۳۰ مورد از ۷۱ آیه‌ای که به «غفور رحیم» ختم می‌شوند، هیچ تفسیری از این اسمای متوالیه ارائه نداده است و از میان ۴۱ مورد باقی مانده در ۵ مورد ارتباط این اسماء با متن آیه را بیان ننمود و فقط در ۳۶ مورد (تقریباً ۵۰٪) به بیان ارتباط آن پرداخته است که نشانگر میزان توجه علامه طباطبایی به تفسیر آیات غفور رحیم و ارتباط آنها با متن آیات است. بااین‌حال، میزان توجه وی به موضوع، از برخی تفاسیر بیشتر است.

سایر تفاسیر نیز توجه مختلفی به این مطلب داشته‌اند. به‌طور مثال: طبرسی در ***مجمع البیان*** از میان ۷۱ آیه مزبور، در۱۷ مورد اسمای متوالیه «الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» را تفسیر نکرده و در ۲۷ مورد تفسیری بی‌ارتباط با متن آیه ارائه داده است؛ بدین معنا که در بیشتر موارد غفور را به‌معنای ستر گناهان و رحیم را به‌معنای بخشش نعمت‌ها به مؤمنین دانسته و در ۲۴ مورد باقی مانده نیز غالباً ارتباط ضعیفی بین دو اسم مزبور و متن آیه برقرار کرده است.

نکته درخور توجه اینکه در تفاوت آیات غفور رحیم و الرحیم الغفور و وجه جامع آیات به بیش‌از ۱۴۰ تفسیر مشهور مراجعه شد که متأسفانه هیچ پرسشی در این موارد مطرح نشده تا درپی پاسخ آن برآیند.

از موارد درخور توجه در عملکرد تفاسیر اینکه در مواردی که گناه یا گناهانی در متن آیه مورد نظر بوده است، تفسیر اسم «غفور» در آخر آیه به‌معنای بخشنده یا پوشاننده، امری طبیعی و معمول در تفاسیر مختلف است. اما در مواردی چون آیه ۱۷۳ سوره بقره که خوردن

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

گوشت مرده یا خون به سبب اضطرار بوده و به‌تصریح قرآن اساساً گناهی اتفاق نیفتاده است (فَلا إِثْمَ عَلَیهِ) باز در تفسیر عبارت «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ» بیان شده است که خداوند گناهان مؤمنین را می‌بخشد. این تفسیر موجب عدم تناسب درج این اسماء با محتوای آیه می‌شود؛ زیرا می‌توان پرسید: «کدام گناه؟ اکل میته یا خون در حال اضطرار که گناه نیست. خود قرآن هم فرموده: «فَلا إِثْمَ عَلَیهِ.» و اگر هم گفته شود: «شاید گناهان دیگری مورد نظر است که در این آیه مطرح نمی‌باشد.» در این صورت تناسب درج این اسما با محتوای آیه از بین می‌رود.

به‌هرحال، برخی از این تفاسیر که این نقد بر آنها وارد است، عبارت‌اند از: ***إرشاد الأذهان إلی تفسیر القرآن***؛ (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۳۱) ***التفسیر الوسیط للقرآن الکریم***. (ابن‌عاشور، ۱۹۹۷: ۱ / ۳۵۳)

برخی از تفاسیر نیز برداشت تناقض‌آمیز و درعین‌حال معتدل‌تری از این آیه داشته‌اند. به‌این‌صورت که ازسویی طبق این آیه، خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک در حین اضطرار را گناه نمی‌دانند، و ازسوی دیگر می‌گویند که خداوند این کار را می‌بخشد یا بخشیده است و در تفاسیر عربی از عبارت «غفر» یا «یغفر» برای آن استفاده کرده‌اند. درحالی‌که این انتقاد به ایشان وارد است که اگر این کار گناه نیست (فَلا إِثْمَ عَلَیهِ)، پس با سایر امور مجاز فرقی ندارد و بخشیدن آن بی‌معناست و اساساً این قول از خداوند که: «انجام فلان کار در فلان شرایط اصلاً گناه نیست و اگر کسی چنین کند، من او را می‌بخشم.»، شایسته نیست.

برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از: ***تفسیر کوثر*** (جعفری، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۳۱)، ***تفسیر المراغی*** (مراغی، ۱۹۸۵: ۲ / ۴۹)، ***التفسیر المظهری***. (مظهری، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۷۱)

در برخی تفاسیر همچون: ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن*** (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۶۸)، ***الجدید فی تفسیر القرآن المجید*** (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱ / ۱۹۸) این نظر ابراز شده است که خداوند گناهان بشر را می‌بخشد، پس به طریق اولی از مؤاخذه آنچه گناه نیست نیز در می‌گذرد. روشن است که اعلان گناه نبودن فعلی ازسوی خداوند و سپس منت گذاردن بر مردم مبنی‌بر مؤاخذه نشدن درصورت اجرای آن، شایسته خداوند نیست.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

برخی از تفاسیر نیز با وجود توجه به این مشکل، به‌دلیل عدم توفیق در ارائه راه‌حلی برای آن، ناچار ابراز داشته‌اند که شاید منظور این باشد که کسی ممکن است در حال اضطرار، نتواند حد ضرورت را نگاه دارد و بیش‌از مقدار لازم اقدام به خوردن نماید که خداوند این مقدار زاید را می‌بخشد. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از: ***مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن*** (موسوی، ۱۴۰۹: ۲ / ۲۷۱) و تفسیر ***سورآبادی***. (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱ / ۱۵۱)

در ***جامع البیان فی تفسیر القرآن*** (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۵۲) هم این نظر ابراز شده است که شاید غفران الهی نسبت به مواردی باشد که در دوران جاهلیت و قبل از اسلام با پیروی از شیطان، حدود الهی در خوردنی‌ها مراعات نشده است.

تفسیر سنی ***التحریر والتنویر*** نیز مغفرت را به‌معنای گذشت از چیزی که ممکن است مورد مؤاخذه قرار گیرد بیان شده است، نه به‌معنای گذشت از گناه و مانند آن. (ابن‌عاشور، ۱۹۹۷: ۲ / ۱۲۱)

در پاسخ باید گفت، آنچه خداوند می‌فرماید: «فَلا إِثْمَ عَلَیهِ.» چگونه ممکن است آن را مورد مؤاخذه قرار داد؟

و البته چندین احتمال نادرست دیگر در تفاسیر مختلف در تفسیر آیه مورد نظر بیان شده که نقل آن فایده چندانی ندارد، منشأ همه احتمالات و شایدهای مزبور عدم استفاده از روش صحیح در تفسیر آیات است. لکن خوشبختانه در ***تفسیر اثنا عشری*** مطلبی آمده است که تقریباً با آنچه با روش تفسیری قرآن به قرآن استنباط شد، مطابقت دارد:

> از لفظ «غفور» می‌شود استفاده کرد که خدا درصورت اضطرار اثرات ناگوار آنها را از بین برده و مستور خواهد کرد، چون در اینجا گناهی نیست تا بخشوده شود لفظ «رحیم» حکایت دارد که این اجازه در اثر مهربان بودن خداست. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۳۱۹)

خلاصه و نتیجه

۱. آنچه می‌توان به‌عنوان وجه جامع و هدف هدایتی مشترک در تمام آیات «غفور رحیم»

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

بیان کرد، «رفع نگرانی از آثار ذنب» است. که این معنا گاه در کنار اهداف هدایتی چون موارد زیر است:

الف) هشدار به عواقب باقی ماندن در گناه؛

ب) تشویق به توبه و ترک گناه؛

ج) تحسین ترک‌کنندگان گناه؛

د) تشویق به ثبات در راه حق.

۲. مفهوم «ذنب» در این معنای مشترک اعم از گناه بوده، طبق معنای لغوی شامل هر کاری می‌شود که ممکن است پی‌آمد ناگواری داشته باشد. ازاین‌رو، آیات مزبور را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: آیاتی که در آنها سخن از گناه است و آیاتی که در آنها سخن از افعالی است که اگرچه گناه نیستند، ممکن است آثار ناگواری داشته باشند. خداوند به مناسبت اسم «الغفور» خود، آثار ناگوار هر دو دسته را مشروط به شرایط خود بی‌اثر می‌سازد.

۳. مغفرت خداوند دارای طیف وسیعی است که از بزرگ‌ترین گناهان تا اموری که اصلا گناه محسوب نمی‌شود را فرا می‌گیرد. شاید این فهم جدیدی از عبارت قرآنی «ان ربک واسع المغفره» باشد.

۴. در آیه دوم سوره سبأ که تنها موردی است که ترکیب اسمایی «رحیم غفور» به‌کار گرفته شده است، برخلاف تمام ۶۴ آیه «غفور رحیم»، سخن از گناه یا «رفع نگرانی از آثار ذنب» نیست.

۵. دقت در معنای این آیه منحصربه‌فرد می‌رساند که آنچه بنا بر معنای مغفرت، مورد ستر و پوشش قرار می‌گیرد، گناه یا هر کاری ازسوی انسان‌ها که پیامد بدی برای ایشان داشته باشد نیست. بلکه آنچه مورد پوشش قرار می‌گیرد، همان اموری است که در زمین فرود می‌رود، مانند آب‌هایی که در زمین فرو می‌روند، و اموری که در آسمان عروج می‌یابند و بدین‌ترتیب از دیدگان مردم پوشیده می‌شوند.

۶ . هیچ تفسیری درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش که «آیات غفور رحیم چه تفاوتی با تنها آیه رحیم غفور دارد؟» برنیامده است.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

۷. عدم پیروی از روشی صحیح (روش تفسیری قرآن به قرآن)، و عدم توجه دقیق به‌معنای لغوی اسمای الهی، موجب اختلاف تفاسیر و بیان احتمالات گوناگون در تفسیر آیات و پاسخ به سؤالات پیش آمده می‌شود. نمونه آن اختلاف تفاسیر در پاسخ به این پرسش است که با توجه به اینکه خداوند در آیه ۱۷۳سوره بقره اکل میته یا خون را به سبب اضطرار گناه ندانسته است «فَلا إِثْمَ عَلَيهِ» تا مورد بخشایش قرار دهد، بنا بر عبارت «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» در پایان این آیه خداوند چه چیزی را مورد مغفرت قرار می‌دهد؟

ضمیمه

جدول آیات غفور رحیم به ترتیب نزول سور

ردیف	آیه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۱	المزمل / ۲۰	مکی ۳	پیامبرﷺ و گروهی از مؤمنین که با او هستند	تصریح نشده
۲	الأعراف / ۱۵۳	مکی ۳۹	عموم مؤمنین	کارهای بد
۳	الأعراف / ۱۶۷	مکی ۳۹	یهودیان	صید ماهی در روز شنبه برای یهودیان
٤	الفرقان / ۶	مکی ۴۲	کافرانی که قرآن را اساطیر پیشینیان دانسته که پیامبرﷺ به‌دست خود نوشته است.	انتساب قرآن به خود پیامبرﷺ
۵	الفرقان / ۷۰	مکی ۴۲	قاتلین و زناکاران	قتل و زنا
۶	النمل / ۱۱	مکی ۴۸	غیر معصومین	گناه و بدکاری
۷	القصص / ۱۶	مکی ۴۹	موسیؑ	ظلم به خویشتن
۸	یونس / ۱۰۷	مکی ۵۱	هرکس از بندگان خداوند	تصریح نشده
۹	هود / ۴۱	مکی ۵۲	ایمان‌آورندگان به نوحؑ	کفر و گناهان سابق بر ایمان
۱۰	یوسف / ۵۳	مکی ۵۳	حضرت یوسفؑ یا زلیخا به اختلاف مفسران	کار بد
۱۱	یوسف / ۹۸	مکی ۵۳	برادران یوسف	ظلم برادران یوسف به برادر و پدر
۱۲	الحجر / ۴۹	مکی ۵۴	بندگان خداوند	تصریح نشده
۱۳	الأنعام / ۱۶۵	مکی ۵۵	عموم مؤمنین	تصریح نشده
۱٤	الأنعام / ۵۴	مکی ۵۵	ایمان‌آوردگان به آیات خداوند	کار بد

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

ردیف	آیـــه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۱۵	الأنعام / ۱۴۵	مکی ۵۵	عموم مسلمین	خوردن گوشت مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است یا حیوانی که در کشتنش مرتکب نافرمانی شوند و جز با گفتن نام اللّه ذبحش کنند
۱۶	الزمر / ۵۳	مکی ۵۹	بندگان خدا که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید	تمام گناهان
۱۷	فصلت / ۳۲	مکی ۶۱	آنان‌که گفتند: پروردگار ما اللّه است و پایداری ورزیدند	تصریح نشده
۱۸	الشوری / ۵	مکی ۶۲	ساکنان زمین	تصریح نشده
۱۹	الأحقاف / ۸	مکی ۶۶	کافران	تکذیب انتساب قرآن به خداوند
۲۰	النحل / ۱۸	مکی ۷۰	عموم مؤمنین	تصریح نشده
۲۱	النحل / ۱۱۰	مکی ۷۰	هجرت‌کنندگان	کفر و گناهان سابق بر ایمان
۲۲	النحل / ۱۱۵	مکی ۷۰	عموم مسلمانان	خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هرچه جز به نام خدا ذبح شده باشد.
۲۳	النحل / ۱۱۹	مکی ۷۰	توبه‌کنندگان از گناهان	بدکاری از روی نادانی
۲٤	إبراهیم / ۳۶	مکی ۷۲	نافرمانی‌کنندگان از دعوت ابراهیمؑ به ایمان آوردن	نافرمانی از حضرت ابراهیمؑ و باقی ماندن در کفر و گمراهی
۲۵	البقره / ۱۷۳	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک و آنچه به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند
۲۶	البقره / ۱۸۲	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	دگرگون ساختن وصیت میت
۲۷	البقره / ۱۹۲	مدنی ۸۷	کافران و مشرکان سابق	کفر و جنگ با مسلمانان
۲۸	البقره / ۱۹۹	مدنی ۸۷	حجاج مسلمان	بازگشتن حجاج از مسیر مشرکان
۲۹	البقره / ۲۱۸	مدنی ۸۷	کسانی که ایمان آورده‌اند و آنان‌که مهاجرت کرده‌اند و در راه خدا جهاد نموده‌اند،	جنگ علیه کافران در ماه‌های حرام
۳۰	البقره / ۲۲۶	مدنی ۸۷	عموم مسلمین	حرام شرعی (ایلاء)
۳۱	الأنفال / ۶۹	مدنی ۸۸	عموم مسلمین	نیت غیر الهی در انجام عمل صالح (جهاد)

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

ردیف	آیـــه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
۳۲	الأنفال / ۷۰	مدنی ۸۸	اسیران مشرک	کفر و شرک سابق
۳۳	آل‌عمران / ۳۱	مدنی ۸۹	عموم مسلمین	گناهان (به‌طورکلی)
۳٤	آل‌عمران / ۸۹	مدنی ۸۹	قومی که نخست ایمان آوردند و به حقانیت رسول شهادت دادند و دلایل و آیات روشن را مشاهده کردند، سپس کافر شدند	ارتداد
۳۵	آل‌عمران / ۱۲۹	مدنی ۸۹	عموم مسلمین	گناهان (به‌طورکلی)
۳۶	الأحزاب / ۵	مدنی ۹۰	عموم مسلمین	زن خود را مادر خود خواندن، فرزند خوانده را فرزند خود خواندن
۳۷	الأحزاب / ۲۴	مدنی ۹۰	منافقان	نفاق
۳۸	الأحزاب / ۵۰	مدنی ۹۰	پیامبر اکرمﷺ	احکام خاص ازدواج برای پیامبرﷺ با کسانی که ازدواج با آنها برای دیگران گناه و زنا محسوب می‌شود.
۳۹	الأحزاب / ۵۹	مدنی ۹۰	زنان و دختران مؤمن	بی‌حجابی
٤۰	الأحزاب / ۷۳	مدنی ۹۰	مردان مؤمن و زنان مؤمن	تصریح نشده
٤۱	الممتحنة / ۷	مدنی ۹۱	کافران و مشرکانی که با مسلمانان می‌جنگند	جنگ با مسلمانان
٤۲	الممتحنة / ۱۲	مدنی ۹۱	زنان مؤمن	شرک، سرقت، زنا، کشتن فرزندان، و اینکه زن‌ها فرزندی را که از آن شوهرشان نیست به دروغ به او نسبت ندهند
٤۳	النساء / ۲۳	مدنی ۹۲	عموم مسلمین	ازدواج با دوخواهر به‌طور همزمان در گذشته
٤٤	النساء / ۲۵	مدنی ۹۲	عموم مسلمین	گناه (زنا)
٤۵	النساء / ۹۶	مدنی ۹۲	کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند	تصریح نشده
٤۶	النساء / ۱۰۰	مدنی ۹۲	هر کس که از خانه خویش بیرون آید تا به‌سوی خدا و رسولش مهاجرت کند و آنگاه مرگ او را دریابد	تصریح نشده

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

ردیف	آیـــه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
٤٧	النساء / ۱۰۶	مدنی ۹۲	پیامبر اکرمﷺ به‌عنوان یک قاضی	حکم به محکومیت متهم بیگناهی که در ظاهر تمام شواهد علیه اوست
٤٨	النساء / ۱۱۰	مدنی ۹۲	هر انسان	هر کار بد یا ظلم به خویشتن
٤٩	النساء / ۱۲۹	مدنی ۹۲	عموم مسلمانان	رعایت نکردن عدالت بین زنان (همسران) متعدد یک فرد
۵۰	النساء / ۱۵۲	مدنی ۹۲	کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند و میان پیامبرانش جدایی نیافکنده‌اند	جدایی افکندن میان پیامبران
۵۱	الحدید / ۲۸	مدنی ۹۴	کسانی که ایمان آورده‌اند	تصریح نشده (مطلق گناهان)
۵۲	النور / ۵	مدنی ۱۰۳	کسانی را که زنان عفیف را به زنا متهم می‌کنند و چهار شاهد نمی‌آورند	اتهام به زنا بدون آوردن چهار شاهد
۵۳	النور / ۲۲	مدنی ۱۰۳	توانگران و آنان که گشایشی در کار آنهاست	سوگند خوردن به اینکه به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند)
٥٤	النور / ۳۳	مدنی ۱۰۳	مسلمانان مالک کنیزان	زنا کردن کنیزان به اجبار مالکان آنها جهت کسب درآمد برای مالکان)
۵۵	النور / ۶۲	مدنی ۱۰۳	مؤمنان	اجازه خواستن برای ترک جهاد جهت انجام کارهای شخصی (ترجیح دادن مصالح شخصی بر مصلحت اسلام و مسلمین)
۵۶	المجادلة / ۱۲	مدنی ۱۰۶	کسانی که ایمان آورده‌اند	صدقه ندادن قبل از نجوا با پیامبرﷺ
۵۷	الحجرات / ۵	مدنی ۱۰۷	بی‌خردانی که از آن سوی حجره‌ها پیامبر خداﷺ را ندا می‌دهند	صدا زدن پیامبرﷺ از آن سوی حجره‌ها (بی‌احترامی به پیامبرﷺ)
۵۸	الحجرات / ۱۴	مدنی ۱۰۷	اعراب بادیه نشین	منت گذاشتن بر پیامبرﷺ برای اسلام آوردن خود
۵۹	التحریم / ۱	مدنی ۱۰۸	همسران پیامبرﷺ	توطئه علیه پیامبرﷺ
۶۰	التغابن / ۱۴	مدنی ۱۱۰	مؤمنین و ازواج و اولادشان،	گناهان گذشته مؤمنین ـ دشمنی با همسران و پدران مؤمن
۶۱	المائدة / ۳	مدنی ۱۱۳	عموم مسلمین	خوردن گوشت مرده و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

ردیف	آیـــه	ترتیب نزول سوره	افراد مورد مغفرت	امور مورد مغفرت
				کشتنش نام دیگری جز اللّه را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا درافتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند،
۶۲	المائدة / ۳۴	مدنی ۱۱۳	کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می‌کنند و در زمین به فساد می‌کوشند،	جنگ با خدا و پیامبرش و فساد
۶۳	المائدة / ۳۹	مدنی ۱۱۳	مرد دزد و زن دزد	سرقت
۶٤	المائدة / ۷۴	مدنی ۱۱۳	مسیحیان	کفر و اعتقاد به تثلیث
۶۵	المائدة / ۹۸	مدنی ۱۱۳	حجاج	شکار کردن در حالت احرام
۶۶	الفتح: ۱۴	مدنی ۱۱۲	هر که را خدا بخواهد	تصریح نشده
۶۷	التوبة / ۵	مدنی ۱۱۴	مشرکان	شرک
۶۸	التوبة / ۲۷	مدنی ۱۱۴	عموم مسلمین	فرار از جهاد
۶۹	التوبة / ۹۱	مدنی ۱۱۴	ناتوانان و بیماران و آنان که هزینه خویش نمی‌یابند،	شرکت نکردن در جهاد
۷۰	التوبة / ۹۹	مدنی ۱۱۴	عرب‌های بادیه نشین	اعتقادات باطل گذشته و گناهان
۷۱	التوبة / ۱۰۲	مدنی ۱۱۴	عرب‌های بادیه نشین منافق و منافقان	نفاق

منابع و مآخذ

۱. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، ۱۹۹۷م، ***تحریر المعنی السدید وتنویر العقل الجدید وتفسیر الکتاب المجید (التحریر و التنویر)***، تونس، دار سحنون للنشر والتوزیع.

۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، ***لسان العرب***، بیروت، دار صادر، چ سوم.

۳. الازهری، ابو منصور محمد بن احمد، ۲۰۰۱ م، ***تهذیب اللغة***، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، ***تفسیر کوثر***، قم، هجرت.

۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، ***تفسیر اثنا عشری***، تهران، میقات.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم.

۸. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.

۹. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چ اول.

۱۰. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، *تفسیر سورآبادی*، تحقیق علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.

۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.

۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغ، تهران، ناصرخسرو، چ سوم.

۱۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.

۱۴. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.

۱۵. طنطاوی، محمد سید، ۱۹۹۷ م، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، مصر، دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع.

۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ دوم.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]

۱۷. مراغی، احمد بن مصطفی، ۱۹۸۵ م، ***تفسیر المراغی***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ دوم.

۱۸. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، ***التحقیق فی کلمات القرآن الکریم***، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۹. مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ ق، ***التفسیر المظهری***، تحقیق غلام نبی تونسی، پاکستان، مکتبة رشدیه.

۲۰. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۸، ***علوم قرآنی***، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

۲۲. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ ق، ***مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسه اهل البیت علیهم‌السلام، چ دوم.

[Downloaded from tafsir.maaref.ac.ir on 2024-04-17]

[DOR: 20.1001.1.22287256.1391.3.9.1.5]